

پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی خانواده و احساس شکست در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸

تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی خانواده و احساس شکست در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر گچساران انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر گچساران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که در مقاطع متوسطه اول و دوم مشغول به تحصیل بودند. بر اساس جدول مورگان و کرجسی و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۶۱ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل‌برن، مقیاس احساس شکست گیلبرت و آلن و پرسشنامه پرخاشگری سایبری استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS-۲۶ تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین احساس شکست و پرخاشگری سایبری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.01$). همچنین بین جو عاطفی خانواده و پرخاشگری سایبری رابطه منفی و معناداری مشاهده شد ($p < 0.01$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌های محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن و احساس امنیت توانستند پرخاشگری سایبری را به صورت منفی پیش‌بینی کنند. همچنین مؤلفه‌های احساس رکود و احساس بازندگی، پیش‌بینی‌کننده مثبت پرخاشگری سایبری بودند. مقدار ضریب تعیین نشان داد که متغیرهای پژوهش توانستند ۱۲ درصد از واریانس پرخاشگری سایبری را تبیین کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که جو عاطفی مثبت خانواده می‌تواند نقش محافظتی در برابر پرخاشگری سایبری داشته باشد، در حالی که احساس شکست و مؤلفه‌های مرتبط با آن احتمال بروز این رفتار را افزایش می‌دهند. بنابراین تقویت روابط عاطفی در خانواده، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و کاهش احساس ناکامی در نوجوانان می‌تواند در پیشگیری از پرخاشگری سایبری مؤثر باشد.

کلیدواژه‌گان: پرخاشگری سایبری، جو عاطفی خانواده، احساس شکست، نوجوانان، خانواده.

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



عرفان بالی رضا آباد^۱، علیرضا ماردپور^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد

یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد

اسلامی، یاسوج، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول:

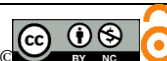
Maredpour@iau.ir

شیوه استناددهی: بالی رضا آباد، عرفان، و ماردپور، علیرضا.

(۱۴۰۵). پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی

خانواده و احساس شکست در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر

گچساران. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*، ۴ (۵)، ۱۵-۱.



Predicting Cyber Aggression Based on Family Emotional Climate and Feelings of Failure in Adolescents Aged 12–18 in Gachsaran

Submit Date:
2026-02-08

Revise Date:
2026-02-15

Accept Date:
2026-11-01

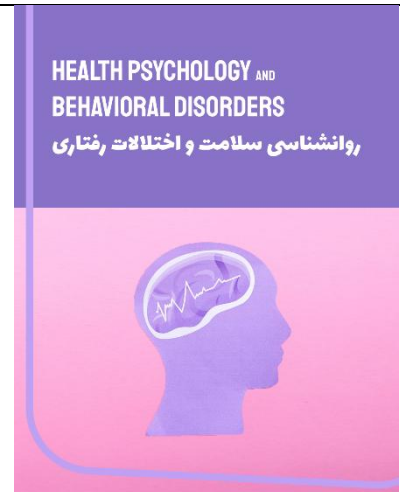
Initial Publish Date:
2026-05-26

Final Publish Date:
2026-11-22

Abstract

The present study aimed to predict cyber aggression based on family emotional climate and feelings of failure among adolescents aged 12–18 years in Gachsaran. This applied study employed a descriptive-correlational design. The statistical population included all adolescents aged 12–18 years studying in junior and senior high schools in Gachsaran during the 2025–2026 academic year. Based on the Morgan and Krejcie table and using multistage cluster random sampling, 361 participants were selected. Data were collected using the Hillburn Family Emotional Climate Questionnaire, the Gilbert and Allan Feelings of Failure Scale, and the Cyber Aggression Questionnaire. Data analysis was conducted using Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis in SPSS-26 software. The results revealed a significant positive relationship between feelings of failure and cyber aggression ($p < 0.01$). In addition, a significant negative relationship was found between family emotional climate and cyber aggression ($p < 0.01$). Regression analysis indicated that the subscales of affection, caressing, approval, shared experiences, gift-giving, and sense of security negatively predicted cyber aggression. Furthermore, feelings of stagnation and defeat positively predicted cyber aggression. The coefficient of determination demonstrated that the predictor variables explained 12% of the variance in cyber aggression. The findings indicated that a positive family emotional climate plays a protective role against cyber aggression, whereas feelings of failure and related dimensions increase the likelihood of such behaviors. Therefore, strengthening emotional relationships within families, teaching emotional regulation skills, and reducing feelings of failure among adolescents may contribute to the prevention of cyber aggression.

Keywords: *Cyber Aggression, Family Emotional Climate, Feelings of Failure, Adolescents, Family.*

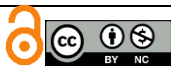


Erfan Bali Rezaabad¹, Alireza Maredpour^{2*}

1. M.Sc. Student in Clinical Psychology, Yas.c, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran

*Corresponding Author's Email: Maredpour@iau.ir

How to cite: Bali Rezaabad, E., & Maredpour, A. (2026). Predicting Cyber Aggression Based on Family Emotional Climate and Feelings of Failure in Adolescents Aged 12–18 in Gachsaran. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(5), 1-15.



دوره نوجوانی یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل رشد انسان محسوب می‌شود که با تغییرات گسترده زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه است. در این دوره، نوجوانان در مسیر شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی خود قرار می‌گیرند و به همین دلیل نسبت به تجربه فشارهای روانی، تعارضات هیجانی و آسیب‌های اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند. همزمان با گسترش فناوری‌های ارتباطی و توسعه شبکه‌های اجتماعی، شیوه تعامل نوجوانان با محیط پیرامون دستخوش تغییرات اساسی شده است. اینترنت و فضای مجازی اگرچه فرصت‌های گسترده‌ای برای یادگیری، ارتباط و تبادل اطلاعات فراهم کرده‌اند، اما زمینه بروز رفتارهای آسیب‌زا و پرخطر را نیز افزایش داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها، پرخاشگری سایبری است که در سال‌های اخیر به عنوان یکی از چالش‌های جدی سلامت روان نوجوانان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (Kowalski et al., 2019, 2023).

پرخاشگری سایبری به هرگونه رفتار عمدی، مکرر و آسیب‌زا گفته می‌شود که از طریق ابزارهای دیجیتال نظیر تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها یا بازی‌های آنلاین برای تهدید، تحقیر، تمسخر یا آزار دیگران انجام می‌شود. این نوع پرخاشگری به دلیل ویژگی‌هایی مانند ناشناس ماندن فرد مهاجم، گستردگی انتشار محتوا و ماندگاری پیام‌های توهین‌آمیز، پیامدهای روان‌شناختی شدیدتری نسبت به پرخاشگری سنتی دارد (Kowalski et al., 2023). نوجوانانی که در معرض پرخاشگری سایبری قرار می‌گیرند، بیشتر دچار اضطراب، افسردگی، افت تحصیلی، انزوای اجتماعی، احساس بی‌ارزشی و افکار خودکشی می‌شوند (Chen & Lee, 2022; Ortega-Barón et al., 2020). از سوی دیگر، افرادی که نقش عامل پرخاشگری را برعهده دارند نیز معمولاً با مشکلات تنظیم هیجان، ضعف در مهارت‌های ارتباطی و اختلال در روابط اجتماعی مواجه هستند (Asadi et al., 2022; Barlett & Helmstetter, 2021). افزایش روزافزون استفاده نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های آنلاین باعث شده است که پرخاشگری سایبری به مسئله‌ای فراگیر در جوامع مختلف تبدیل شود و ضرورت مطالعه عوامل مؤثر بر آن بیش از گذشته احساس گردد (Waska, 2025).

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان صرفاً ناشی از عوامل فردی نیستند، بلکه تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل خانوادگی، اجتماعی و هیجانی شکل می‌گیرند. در این میان، خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین بستر اجتماعی شدن، نقشی اساسی در شکل‌گیری شخصیت، سبک‌های مقابله‌ای و شیوه‌های تنظیم هیجان نوجوانان دارد (Barnes & Farrell, 2020). کیفیت روابط عاطفی در خانواده، میزان حمایت والدین، شیوه‌های فرزندپروری و احساس امنیت روانی در محیط خانه می‌توانند در بروز یا پیشگیری از رفتارهای پرخاشگرانه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. مفهوم جو عاطفی خانواده به فضای کلی حاکم بر روابط هیجانی اعضای خانواده اشاره دارد و شامل ابعادی مانند محبت، همدلی، حمایت، امنیت، اعتماد و تعاملات مثبت میان والدین و فرزندان است (Ahmadi & Rahimi, 2024). نوجوانانی که در خانواده‌هایی با جو عاطفی مثبت رشد می‌کنند، معمولاً از سلامت روان بالاتر، عزت نفس بیشتر و مهارت‌های اجتماعی مطلوب‌تری برخوردار هستند، در حالی که خانواده‌های آشفته و فاقد حمایت عاطفی می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر و پرخاشگرانه شوند (Barnes & Farrell, 2020; Fanti et al., 2021).

در سال‌های اخیر، نقش جو عاطفی خانواده در بروز رفتارهای آنلاین پرخطر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که نوجوانانی که در خانواده‌های دارای تعارض، بی‌توجهی یا روابط عاطفی ضعیف زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض اعتیاد به اینترنت، انزوای اجتماعی و پرخاشگری سایبری قرار دارند (Eghdami, 2018; Marzilli et al., 2020). در مقابل، وجود فضای گرم و حمایت‌کننده در خانواده می‌تواند به عنوان عاملی محافظت‌کننده در برابر رفتارهای مخرب آنلاین عمل کند (Abedi et al., 2018). احمدی و رحیمی نیز نشان دادند که جو عاطفی مطلوب خانواده و سبک‌های فرزندپروری کارآمد می‌توانند میزان پرخاشگری سایبری نوجوانان را کاهش دهند (Ahmadi & Rahimi, 2024). همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور نشان داده‌اند که تعارضات خانوادگی، احساس تنهایی و ضعف در روابط عاطفی خانوادگی با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی همراه هستند (Razavi et al., 2020).

علاوه بر عوامل خانوادگی، متغیرهای هیجانی و شناختی نیز در شکل‌گیری پرخاشگری سایبری نقش مهمی ایفا می‌کنند. یکی از این متغیرها احساس شکست است. احساس شکست به تجربه ذهنی فرد از ناکامی، درماندگی، از دست دادن جایگاه اجتماعی و ناتوانی در دستیابی به اهداف اشاره دارد (Allan & Gilbert, 2002). این مفهوم ریشه در نظریه‌های تکاملی و روان‌شناختی دارد و بیانگر حالتی است که فرد خود را در رقابت‌های اجتماعی یا شخصی ناکام و مغلوب می‌بیند (Anderson & Harvey, 2009). نوجوانانی که احساس شکست بیشتری را تجربه می‌کنند، معمولاً دچار هیجانات منفی شدیدتری مانند خشم، اضطراب، افسردگی و احساس بی‌ارزشی می‌شوند و ممکن است برای تخلیه این هیجانات به رفتارهای پرخاشگرانه روی آورند (Taylor, 2010).

در محیط‌های مجازی، احساس شکست می‌تواند تأثیر پررنگ‌تری بر رفتار نوجوانان داشته باشد. فضای رقابتی شبکه‌های اجتماعی، مقایسه مداوم خود با دیگران و تلاش برای کسب تأیید اجتماعی، احتمال تجربه ناکامی و احساس بازندگی را افزایش می‌دهد. نوجوانانی که احساس می‌کنند در دستیابی به موفقیت‌های تحصیلی، اجتماعی یا عاطفی ناکام مانده‌اند، ممکن است از پرخاشگری سایبری به عنوان ابزاری برای تخلیه هیجانات منفی یا جبران احساس ضعف خود استفاده کنند (Barlett & Helmstetter, 2021; Chen & Lee, 2022). پژوهش مرادی و همکاران نیز نشان داد که احساس شکست تحصیلی با افزایش پرخاشگری سایبری رابطه مستقیم دارد و تنظیم هیجان در این رابطه نقش میانجی ایفا می‌کند (Moradi et al., 2023). همچنین آبابی و یونسی نشان دادند که احساس شکست و ناکامی با مشکلات روان‌شناختی و اختلال در سازگاری اجتماعی ارتباط معناداری دارد (Abaei & Younesi, 2016).

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران بر نقش ناکامی و احساس درماندگی در شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه تأکید کرده‌اند. بر اساس نظریه ناکامی - پرخاشگری، هنگامی که فرد در دستیابی به اهداف خود با مانع مواجه می‌شود، هیجانات منفی حاصل از ناکامی می‌توانند به رفتارهای پرخاشگرانه منجر شوند (Barlett & Helmstetter, 2021). در نوجوانان، این ناکامی‌ها ممکن است ناشی از مشکلات تحصیلی، تعارضات خانوادگی، طرد اجتماعی یا مقایسه‌های منفی با همسالان باشد. دی‌توماسو و اسپینر نیز نشان دادند که احساس تنهایی اجتماعی و هیجانی می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای ناسازگارانه و پرخاشگرانه شود (DiTommaso & Spinner, 2016). در چنین شرایطی، فضای مجازی به بستری برای ابراز خشم و تخلیه هیجانی تبدیل می‌شود، زیرا فرد بدون مواجهه مستقیم با پیامدهای رفتاری می‌تواند دیگران را مورد آزار قرار دهد (Kowalski et al., 2023).

علاوه بر احساس شکست، برخی متغیرهای واسطه‌ای مانند تنظیم هیجان، همدلی و بی‌تفاوتی اخلاقی نیز در تبیین پرخاشگری سایبری مورد توجه قرار گرفته‌اند. اسدی و همکاران نشان دادند که بی‌تفاوتی اخلاقی پیش‌بینی‌کننده مثبت و همدلی پیش‌بینی‌کننده منفی پرخاشگری سایبری در نوجوانان است (Asadi et al., 2022). همچنین اورتگا-بارون و همکاران بیان کردند که بافت خانوادگی ضعیف و نبود نظارت والدین می‌تواند حساسیت اخلاقی نوجوانان را کاهش داده و احتمال درگیری در رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین را افزایش دهد (Ortega-Barón et al., 2020). در همین راستا، سمیری نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده از طریق سبک‌های مقابله‌ای و هیجان‌خواهی بر رفتارهای خرابکارانه نوجوانان تأثیر می‌گذارد (Sameri, 2021). همچنین تمنایی‌فر و خنشان گزارش کردند که سبک‌های فرزندپروری نامناسب و دلبستگی نایمن می‌توانند گرایش نوجوانان به رفتارهای آسیب‌زا در فضای مجازی را افزایش دهند (Tamannaefar & Khanshan, 2023).

با وجود افزایش پژوهش‌ها درباره پرخاشگری سایبری، هنوز بسیاری از ابعاد مرتبط با این پدیده در جامعه ایرانی به طور کامل شناخته نشده است. بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده بر نقش متغیرهای فردی یا اجتماعی به صورت جداگانه تمرکز داشته‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی همزمان نقش جو عاطفی خانواده و احساس شکست در پیش‌بینی پرخاشگری سایبری پرداخته است. علاوه بر این، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و منطقه‌ای می‌توانند بر الگوهای رفتاری نوجوانان اثرگذار باشند و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در شهرهای بزرگ الزاماً قابل تعمیم به سایر مناطق نیستند. شهر گچساران با توجه به جمعیت جوان، گسترش استفاده از اینترنت و تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه فناوری‌های

ارتباطی، بستر مناسبی برای مطالعه این پدیده محسوب می‌شود. شناخت عوامل مؤثر بر پرخاشگری سایبری در این جامعه می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و پیشگیرانه برای خانواده‌ها، مدارس و مراکز سلامت روان کمک کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی خانواده و احساس شکست در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر گچساران انجام شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی - همبستگی بود. در این پژوهش، رابطه میان متغیرهای جو عاطفی خانواده و احساس شکست به عنوان متغیرهای پیش‌بین با پرخاشگری سایبری به عنوان متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر گچساران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که در مقاطع متوسطه اول و متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند. بر اساس آمار آموزش و پرورش، تعداد تقریبی این دانش‌آموزان حدود ۶۰۰۰ نفر برآورد شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و کرجسی برابر با ۳۶۱ نفر تعیین گردید. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا از میان مدارس متوسطه اول و دوم شهر گچساران، ۸ مدرسه شامل ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از هر مدرسه ۲ کلاس به صورت تصادفی گزینش شد. تمامی دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌های منتخب پس از ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه، در مطالعه شرکت کردند. معیار ورود شامل قرار داشتن در بازه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال، اشتغال به تحصیل در مدارس شهر گچساران و تمایل به همکاری در پژوهش بود و پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش از تحلیل نهایی حذف شدند. پژوهش حاضر با رعایت اصول اخلاقی پژوهش، از جمله حفظ محرمانگی اطلاعات شرکت‌کنندگان و استفاده صرفاً علمی از داده‌ها انجام گرفت.

برای سنجش جو عاطفی خانواده از پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل‌برن (۱۹۶۴) استفاده شد. این پرسشنامه با هدف ارزیابی کیفیت روابط عاطفی میان والدین و فرزندان طراحی شده و دارای ۱۶ گویه و ۸ خرده‌مقیاس شامل محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت است. هر خرده‌مقیاس توسط دو سؤال مورد سنجش قرار می‌گیرد و گویه‌های زوج به رابطه پدر - فرزندی و گویه‌های فرد به رابطه مادر - فرزندی مربوط هستند. این ابزار بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر نشان‌دهنده جو عاطفی مطلوب‌تر در خانواده است. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه در پژوهش‌های داخلی مورد تأیید متخصصان روان‌شناسی قرار گرفته و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰,۸۵ گزارش شده است. در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز ضرایب پایایی مطلوبی برای این ابزار به دست آمده است.

برای اندازه‌گیری احساس شکست از مقیاس احساس شکست گیلبرت و آلن (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه بر مبنای نظریه جایگاه اجتماعی طراحی شده و دارای ۱۶ سؤال است که سه خرده‌مقیاس احساس رکود، احساس بازندگی و احساس رضایتمندی را ارزیابی می‌کند. پاسخ‌دهی به سؤالات بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از هرگز تا تقریباً همیشه صورت می‌گیرد. برخی گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات بالاتر در خرده‌مقیاس‌های احساس رکود و احساس بازندگی نشان‌دهنده احساس شکست بیشتر و نمرات بالاتر در خرده‌مقیاس رضایتمندی بیانگر سطح بالاتر رضایت فردی است. این ابزار در پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته و ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی از خود نشان داده است. در نسخه اصلی، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس بیش از ۰,۹۰ گزارش شده و در مطالعات ایرانی نیز پایایی کل مقیاس برابر با ۰,۹۱ به دست آمده است که بیانگر همسانی درونی مطلوب پرسشنامه است.

به منظور سنجش پرخاشگری سایبری از پرسشنامه پرخاشگری سایبری استفاده شد که برای ارزیابی رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان در فضای مجازی طراحی شده است. این ابزار ابعاد مختلف رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین از جمله تهدید، تحقیر، تمسخر، انتشار پیام‌های توهین‌آمیز و

آزار دیگران در شبکه‌های اجتماعی و بسترهای دیجیتال را مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتر پرخاشگری سایبری است. روایی محتوایی و سازه این پرسشنامه در مطالعات مختلف تأیید شده و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ در سطح مطلوب گزارش گردیده است. در پژوهش حاضر نیز از نسخه استاندارد این ابزار برای سنجش میزان پرخاشگری سایبری دانش‌آموزان استفاده شد.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های خام استخراج و وارد نرم‌افزار آماری SPSS-26 شد. در مرحله نخست، برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و متغیرهای پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد. سپس به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده گردید. برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد و در ادامه، به منظور تعیین میزان قدرت پیش‌بینی جو عاطفی خانواده و احساس شکست بر پرخاشگری سایبری، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه انجام شد. تمامی تحلیل‌ها در سطح معناداری ۰,۰۵ انجام گرفت و نتایج به صورت دقیق و علمی گزارش شد.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش گزارش می‌شود و سپس نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش‌های آمار استنباطی ارائه خواهد شد. بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که از مجموع ۳۶۱ دانش‌آموز شرکت‌کننده، ۸۹ نفر معادل ۲۴,۶ درصد در بازه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال، ۱۳۹ نفر معادل ۳۸,۵ درصد در بازه سنی ۱۴ تا ۱۶ سال و ۱۴۳ نفر معادل ۳۹,۶ درصد در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال قرار داشتند. همچنین از نظر پایه تحصیلی، ۸۲ نفر معادل ۲۲,۸ درصد در پایه‌های هفتم و هشتم، ۱۳۰ نفر معادل ۳۶,۰ درصد در پایه‌های نهم و دهم و ۱۴۹ نفر معادل ۴۱,۲ درصد در پایه‌های یازدهم و دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. از لحاظ جنسیت نیز ۱۷۸ نفر معادل ۴۹,۳ درصد پسر و ۱۸۳ نفر معادل ۵۰,۶ درصد دختر بودند که نشان می‌دهد توزیع جنسیتی نمونه پژوهش تقریباً متعادل بوده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
نمره کل احساس شکست	۲۸,۸۵	۲,۵۶
احساس رکود	۹,۹۰	۱,۱۲
احساس بازدارندگی	۹,۰۰	۱,۲۵
احساس رضایتمندی	۹,۹۵	۱,۲۲
نمره کل جو عاطفی خانواده	۳۹,۰۵	۹,۳۳
خرده‌مقیاس محبت	۶,۲۲	۲,۷۴
خرده‌مقیاس نوازش	۵,۱۱	۱,۶۹
خرده‌مقیاس تأیید کردن	۴,۳۶	۱,۳۸
خرده‌مقیاس تجربه‌های مشترک	۵,۰۱	۲,۸۵
خرده‌مقیاس هدیه دادن	۳,۷۸	۱,۲۸
خرده‌مقیاس تشویق کردن	۴,۹۱	۲,۳۶
خرده‌مقیاس اعتماد	۵,۰۸	۲,۸۳
خرده‌مقیاس احساس امنیت	۴,۵۸	۱,۰۳
پرخاشگری سایبری	۲۳,۱۹	۳,۶۴

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمره کل احساس شکست به ترتیب برابر با ۲۸,۸۵ و ۲,۵۶ بود. در میان خرده‌مقیاس‌های احساس شکست، بیشترین میانگین مربوط به احساس رضایتمندی با مقدار ۹,۹۵ و کمترین میانگین مربوط به احساس بازدارندگی با مقدار ۹,۰۰ بود. همچنین میانگین نمره کل جو عاطفی خانواده برابر با ۳۹,۰۵ و انحراف استاندارد آن ۹,۳۳ گزارش شد. در بین مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده، خرده‌مقیاس محبت با میانگین ۶,۲۲ بالاترین مقدار و خرده‌مقیاس هدیه دادن با میانگین ۳,۷۸ پایین‌ترین مقدار را به خود اختصاص داد. میانگین پرخاشگری سایبری نیز ۲۳,۱۹ با انحراف استاندارد ۳,۶۴ به دست آمد که نشان‌دهنده سطح متوسط این متغیر در میان نوجوانان مورد مطالعه است.

پیش از اجرای آزمون‌های استنباطی، مفروضه‌های آماری بررسی شد. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده‌های متغیرهای پرخاشگری سایبری، جو عاطفی خانواده و احساس شکست نرمال است، زیرا سطح معناداری تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰,۰۵ به دست آمد. همچنین شاخص‌های پراکندگی داده‌ها و نمودارهای توزیع فراوانی نشان دادند که داده‌ها فاقد انحراف شدید هستند و شرط خطی بودن روابط بین متغیرها نیز برقرار است. بنابراین استفاده از آزمون‌های پارامتریک شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه مجاز تشخیص داده شد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب همبستگی با پرخاشگری سایبری	سطح معناداری
احساس شکست	۰.۱۹۲**	۰.۰۰۱
جو عاطفی خانواده	-۰.۲۰۱**	۰.۰۰۵

**P<۰.۰۱

نتایج جدول ۲ نشان داد که بین احساس شکست و پرخاشگری سایبری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=۰.۱۹۲, p=۰.۰۰۱$). این یافته بیانگر آن است که با افزایش احساس شکست در نوجوانان، میزان پرخاشگری سایبری نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین جو عاطفی خانواده و پرخاشگری سایبری رابطه منفی و معناداری مشاهده شد ($r=-۰.۲۰۱, p=۰.۰۰۵$), به این معنا که هرچه جو عاطفی خانواده مطلوب‌تر و حمایت‌کننده‌تر باشد، میزان پرخاشگری سایبری در نوجوانان کاهش می‌یابد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون چندمتغیری پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی خانواده و احساس شکست

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	R	R ²	R ² تعدیل شده	سطح معناداری
رگرسیون	۵۴۱.۷۹	۵	۳۱۲.۸۱	۷.۱۷	۰.۳۵	۰.۱۲	۰.۱۰	۰.۰۰۰
باقیمانده	۱۰۹۹۸.۲۹	۳۵۶	۴۲.۰۴					
کل	۱۱۵۴۰.۰۸	۳۶۱						

نتایج جدول ۳ نشان داد که مدل رگرسیون چندمتغیری از لحاظ آماری معنادار است ($F=۷.۱۷, p<۰.۰۰۱$). مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰,۳۵ به دست آمد که نشان‌دهنده رابطه نسبتاً مناسب متغیرهای پیش‌بین با پرخاشگری سایبری است. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر با ۰,۱۲ نشان داد که متغیرهای جو عاطفی خانواده و احساس شکست توانسته‌اند ۱۲ درصد از واریانس پرخاشگری سایبری را تبیین کنند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۰,۱۰ بود که بیانگر توانایی قابل قبول مدل در تعمیم به جامعه آماری است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین پرخاشگری سایبری

متغیر پیش‌بین	B	Beta	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰.۹۸	—	۰.۵۰	۰.۶۱
خرده‌مقیاس محبت	-۰.۱۰	-۰.۱۴	-۲.۸۰	۰.۰۰۶
خرده‌مقیاس نوازش	-۰.۰۷	-۰.۱۲	-۱.۱۴	۰.۰۴

۰.۰۳	-۲.۰۹	-۰.۱۰	-۰.۰۶	خرده‌مقیاس تأیید کردن
۰.۰۳	-۲.۱۳	-۰.۱۹	-۰.۱۱	خرده‌مقیاس تجربه‌های مشترک
۰.۰۴	-۲.۰۳	-۰.۱۰	-۰.۰۶	خرده‌مقیاس هدیه دادن
۰.۹۳	-۰.۰۸	-۰.۰۹	-۰.۰۹	خرده‌مقیاس تشویق کردن
۰.۱۹	-۱.۲۹	-۰.۰۶	-۰.۰۳	خرده‌مقیاس اعتماد
۰.۰۸	-۱.۷۴	-۰.۱۱	-۰.۰۵	خرده‌مقیاس احساس امنیت
۰.۰۰۱	۳.۱۳	۰.۱۷	۰.۰۷	خرده‌مقیاس احساس رکود
۰.۰۰۱	۲.۳۴	۰.۱۲	۰.۰۸	خرده‌مقیاس احساس بازندگی
۰.۰۰۱	-۲.۷۹	-۰.۱۵	-۰.۰۲	خرده‌مقیاس احساس رضایتمندی

بر اساس نتایج جدول ۴، از میان مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده، خرده‌مقیاس‌های محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک و هدیه دادن توانستند پرخاشگری سایبری را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کنند. در این میان، خرده‌مقیاس تجربه‌های مشترک با ضریب بتای ۰.۱۹- قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده منفی پرخاشگری سایبری بود. همچنین در حوزه احساس شکست، خرده‌مقیاس‌های احساس رکود و احساس بازندگی به صورت مثبت و معنادار، و خرده‌مقیاس احساس رضایتمندی به صورت منفی و معنادار پرخاشگری سایبری را پیش‌بینی کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش احساس ناکامی و رکود روان‌شناختی می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی را افزایش دهد، در حالی که وجود رضایت فردی و روابط عاطفی مطلوب در خانواده نقش محافظتی در برابر این رفتارها ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس جو عاطفی خانواده و احساس شکست در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر گچساران انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین احساس شکست و پرخاشگری سایبری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و در مقابل، بین جو عاطفی خانواده و پرخاشگری سایبری رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. همچنین یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که برخی از مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده شامل محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن و احساس امنیت توانستند پرخاشگری سایبری را به صورت منفی پیش‌بینی کنند، در حالی که مؤلفه‌های احساس رکود و احساس بازندگی از ابعاد احساس شکست، پیش‌بینی‌کننده مثبت پرخاشگری سایبری بودند. این نتایج نشان می‌دهد که کیفیت روابط عاطفی در خانواده و نحوه ادراک نوجوان از موفقیت یا شکست خود، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی دارند.

یافته نخست پژوهش مبنی بر رابطه منفی جو عاطفی خانواده با پرخاشگری سایبری با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است (Abedi et al., 2021; Barnes & Farrell, 2020; Ahmadi & Rahimi, 2024; al., 2018). احمدی و رحیمی نشان دادند که نوجوانانی که در خانواده‌هایی با روابط عاطفی مطلوب و سبک‌های فرزندپروری حمایتی زندگی می‌کنند، کمتر درگیر رفتارهای پرخاشگرانه آنلاین می‌شوند (Ahmadi & Rahimi, 2024). همچنین فانتی و همکاران گزارش کردند که حمایت هیجانی والدین و کیفیت روابط خانوادگی نقش محافظتی در برابر قلدری و پرخاشگری سایبری دارد (Fanti et al., 2021). این یافته‌ها را می‌توان بر اساس نظریه‌های اجتماعی - یادگیری تبیین کرد. خانواده نخستین محیطی است که نوجوان در آن شیوه تعامل با دیگران، کنترل هیجانات و مدیریت تعارض را می‌آموزد. زمانی که محیط خانواده سرشار از محبت، همدلی و احساس امنیت باشد، نوجوان الگوهای سالم‌تری برای بیان هیجان‌ها و حل مشکلات در اختیار دارد و کمتر به رفتارهای مخرب متوسل می‌شود. در مقابل، خانواده‌هایی که روابط عاطفی ضعیف، تعارضات مداوم یا بی‌توجهی هیجانی در آن‌ها وجود دارد، ممکن است زمینه شکل‌گیری احساس ناکامی، خشم و رفتارهای پرخاشگرانه را فراهم کند (Barnes & Farrell, 2020).

در تبیین نقش مؤلفه‌های مختلف جو عاطفی خانواده نیز می‌توان بیان کرد که محبت، نوازش و تأیید کردن موجب تقویت احساس ارزشمندی و پذیرش در نوجوان می‌شوند. نوجوانی که احساس می‌کند از سوی والدین مورد پذیرش و حمایت قرار دارد، معمولاً عزت نفس بالاتری داشته و در مواجهه با ناکامی‌ها از راهبردهای سازگارانه‌تری استفاده می‌کند. از سوی دیگر، تجربه‌های مشترک خانوادگی و احساس امنیت باعث افزایش دلبستگی خانوادگی و کاهش احساس تنهایی می‌شود؛ عاملی که می‌تواند احتمال گرایش نوجوان به رفتارهای پرخطرانه در فضای مجازی را کاهش دهد (Razavi et al., 2020). یافته‌های حاضر در این زمینه با پژوهش رضوی و همکاران نیز همخوانی دارد که نشان دادند تعارضات خانوادگی و احساس تنهایی با افزایش پرخاشگری سایبری در نوجوانان مرتبط است (Razavi et al., 2020). همچنین عابدی و همکاران گزارش کردند که جو عاطفی مطلوب خانواده از طریق افزایش خودکنترلی نوجوانان می‌تواند رفتارهای پرخطر آنلاین را کاهش دهد (Abedi et al., 2018).

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که احساس شکست با پرخاشگری سایبری رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مرادی و همکاران، چن و لی، و بارتلت و هلمستتر همسو است (Barlett & Helmstetter, 2021; Chen & Lee, 2022; Moradi et al., 2023). مرادی و همکاران نشان دادند که احساس شکست تحصیلی از طریق اختلال در تنظیم هیجان می‌تواند زمینه‌ساز پرخاشگری سایبری شود (Moradi et al., 2023). همچنین چن و لی بیان کردند که ناکامی اجتماعی و احساس درماندگی در نوجوانان با افزایش رفتارهای پرخطرانه در فضای مجازی همراه است (Chen & Lee, 2022). این یافته‌ها را می‌توان بر اساس نظریه ناکامی - پرخاشگری تبیین کرد. بر اساس این نظریه، هنگامی که فرد در دستیابی به اهداف خود با مانع مواجه می‌شود یا احساس می‌کند جایگاه اجتماعی مطلوبی ندارد، هیجانات منفی مانند خشم، سرخوردگی و درماندگی در او افزایش می‌یابد و این هیجانات ممکن است به شکل رفتارهای پرخطرانه بروز یابند (Barlett & Helmstetter, 2021).

در فضای مجازی، نوجوانانی که احساس شکست بیشتری را تجربه می‌کنند، ممکن است برای جبران احساس ضعف یا کاهش فشار روانی، به رفتارهای پرخطرانه روی آورند. محیط آنلاین به دلیل ناشناس بودن نسبی و نبود مواجهه مستقیم با پیامدهای رفتار، بستری مناسب برای تخلیه خشم و ناکامی فراهم می‌کند (Kowalski et al., 2023). در همین راستا، آلن و گیلبرت احساس شکست را با ادراک پایین بودن جایگاه اجتماعی و احساس گرفتارشدگی مرتبط می‌دانند و معتقدند این تجربه می‌تواند زمینه‌ساز خشم و رفتارهای ناسازگارانه شود (Allan & Gilbert, 2002). همچنین تیلور بیان می‌کند که احساس شکست و درماندگی نقش مهمی در شکل‌گیری هیجانات منفی و رفتارهای آسیب‌زا دارد (Taylor, 2010). بنابراین، نوجوانانی که به طور مکرر احساس ناکامی و بازندگی را تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که در فضای مجازی رفتارهای پرخطرانه از خود نشان دهند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که احساس رکود و احساس بازندگی به صورت مثبت پرخاشگری سایبری را پیش‌بینی می‌کنند. احساس رکود بیانگر حالتی است که فرد تصور می‌کند در زندگی پیشرفت نمی‌کند و در رسیدن به اهداف خود متوقف شده است. چنین احساسی می‌تواند با کاهش انگیزه، ناامیدی و اختلال در تنظیم هیجان همراه باشد. نوجوانانی که احساس می‌کنند توانایی دستیابی به موفقیت را ندارند، ممکن است برای تخلیه فشار روانی خود به رفتارهای مخرب در فضای مجازی روی آورند. از سوی دیگر، احساس بازندگی زمانی شکل می‌گیرد که فرد خود را در مقایسه با دیگران شکست‌خورده یا ناتوان تلقی کند. در دوره نوجوانی که مقایسه اجتماعی بسیار رایج است، این احساس می‌تواند شدیدتر تجربه شود و زمینه بروز رفتارهای جبرانی مانند تحقیر و آزار دیگران را فراهم کند (Anderson & Harvey, 2009). این یافته‌ها با پژوهش‌های مرتبط با نقش ناکامی و احساس تنهایی در رفتارهای پرخطرانه همسو است (Abaei & Younesi, 2016; DiTommaso & Spinner, 2016).

همچنین نتایج نشان داد که احساس رضایتمندی با پرخاشگری سایبری رابطه منفی دارد. نوجوانانی که از زندگی، روابط خانوادگی و وضعیت فردی خود رضایت بیشتری دارند، معمولاً هیجانات مثبت‌تر، عزت نفس بالاتر و توانایی بیشتری در مدیریت فشارهای روانی دارند. این افراد

کمتر نیاز دارند که برای جبران کمبودهای هیجانی یا جلب توجه به رفتارهای پرخاشگرانه متوسل شوند. این یافته با دیدگاه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر هماهنگ است که بر نقش هیجان‌ات مثبت و رضایت روان‌شناختی در کاهش رفتارهای آسیب‌زا تأکید دارند (Waska, 2025). از سوی دیگر، نوجوانانی که احساس رضایت کمتری از زندگی دارند، ممکن است بیشتر در معرض اعتیاد به اینترنت، انزوای اجتماعی و رفتارهای پرخطر آنلاین قرار گیرند (Marzilli et al., 2020).

یکی دیگر از نکات مهم پژوهش حاضر، نقش ترکیبی عوامل خانوادگی و هیجانی در تبیین پرخاشگری سایبری است. نتایج نشان داد که هیچ‌یک از این عوامل به تنهایی نمی‌توانند رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان را توضیح دهند، بلکه تعامل میان آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. نوجوانی که در محیط خانوادگی حمایت‌گر رشد می‌کند، حتی در صورت مواجهه با ناکامی‌ها، احتمال بیشتری دارد که هیجان‌ات خود را به شکل سازگارانه مدیریت کند. در مقابل، نوجوانی که همزمان با احساس شکست، از حمایت عاطفی کافی برخوردار نیست، ممکن است بیشتر در معرض رفتارهای پرخاشگرانه قرار گیرد. این مسئله اهمیت توجه همزمان به روابط خانوادگی، سلامت هیجانی و مهارت‌های تنظیم هیجان را در برنامه‌های پیشگیری از پرخاشگری سایبری نشان می‌دهد (Ortega-Barón et al., 2020; Sameri, 2021).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش اسدی و همکاران همخوانی دارد که نشان دادند ضعف در همدلی و افزایش بی‌تفاوتی اخلاقی با افزایش پرخاشگری سایبری مرتبط است (Asadi et al., 2022). نوجوانانی که در خانواده‌های سرد و فاقد حمایت عاطفی رشد می‌کنند، ممکن است درک ضعیف‌تری از پیامدهای رفتارهای خود داشته باشند و حساسیت اخلاقی کمتری نسبت به آسیب رساندن به دیگران نشان دهند. در چنین شرایطی، فضای مجازی به محیطی تبدیل می‌شود که در آن فرد می‌تواند بدون احساس گناه یا نگرانی از پیامدهای اجتماعی، رفتارهای پرخاشگرانه انجام دهد. بنابراین، تقویت روابط عاطفی در خانواده و آموزش مهارت‌های همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای آسیب‌زای آنلاین داشته باشد.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پرخاشگری سایبری در نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل خانوادگی و هیجانی قرار دارد. جو عاطفی مطلوب خانواده می‌تواند به عنوان عامل محافظتی عمل کند، در حالی که احساس شکست و ابعاد مرتبط با آن احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش می‌دهند. بنابراین، توجه به کیفیت روابط خانوادگی، ارتقای مهارت‌های تنظیم هیجان و کاهش احساس ناکامی در نوجوانان می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از پرخاشگری سایبری و ارتقای سلامت روان نوجوانان داشته باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش همبستگی و طرح مقطعی اشاره کرد که امکان استنتاج روابط علی میان متغیرها را محدود می‌کند. همچنین جامعه آماری پژوهش تنها شامل نوجوانان شهر گچساران بود و تعمیم نتایج به سایر مناطق و گروه‌های فرهنگی باید با احتیاط انجام گیرد. استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی نیز ممکن است تحت تأثیر تمایل آزمودنی‌ها به پاسخ‌دهی اجتماعی پسند قرار گرفته باشد و بر دقت داده‌ها اثر گذاشته باشد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی و مداخله‌ای، نقش متغیرهای دیگری مانند تنظیم هیجان، خودکنترلی، سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی را در تبیین پرخاشگری سایبری بررسی کنند. همچنین انجام مطالعات مقایسه‌ای در شهرها و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به شناخت دقیق‌تر ابعاد اجتماعی و فرهنگی این پدیده کمک کند. استفاده از روش‌های کیفی و ترکیبی نیز می‌تواند درک عمیق‌تری از تجربه نوجوانان در فضای مجازی فراهم سازد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مدارس و مراکز مشاوره برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای والدین در زمینه بهبود روابط عاطفی با فرزندان، افزایش حمایت هیجانی و تقویت مهارت‌های ارتباطی طراحی کنند. همچنین آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، مدیریت ناکامی و مقابله با احساس شکست برای نوجوانان می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در فضای مجازی مؤثر باشد. شناسایی نوجوانان در معرض خطر و ارائه خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای نیز می‌تواند به پیشگیری از پیامدهای منفی پرخاشگری سایبری کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Adolescence is considered one of the most critical developmental periods characterized by rapid biological, emotional, cognitive, and social changes. During this period, adolescents are highly vulnerable to psychological and behavioral problems due to identity formation processes, emotional instability, and increased sensitivity to peer evaluation. Simultaneously, the widespread expansion of digital technologies, smartphones, and social networking platforms has transformed adolescents' interpersonal interactions and social experiences. Although cyberspace offers many opportunities for learning, communication, and entertainment, it has also created a new context for harmful and aggressive behaviors, particularly cyber aggression (Kowalski et al., 2019, 2023).

Cyber aggression refers to intentional and repeated hostile behaviors conducted through electronic means such as social media, messaging applications, online games, and digital communication platforms to harm, threaten, humiliate, or intimidate others. Compared with traditional forms of aggression, cyber aggression possesses unique characteristics including anonymity, rapid dissemination of harmful content, and the persistence of online messages, all of which intensify its psychological consequences (Kowalski et al., 2023). Previous studies have shown that involvement in cyber aggression, either as perpetrator or victim, is associated with

anxiety, depression, loneliness, low self-esteem, academic decline, and social withdrawal among adolescents (Chen & Lee, 2022; Ortega-Barón et al., 2020). Furthermore, adolescents who engage in cyber aggression often experience difficulties in emotional regulation, empathy, and interpersonal relationships (Asadi et al., 2022).

Researchers have emphasized that cyber aggression is not merely an individual behavior but rather the outcome of a complex interaction between personal, familial, emotional, and social factors. Among these variables, family emotional climate has received considerable attention. Family is the first and most influential social environment in which children and adolescents learn emotional expression, interpersonal communication, and behavioral regulation. A positive family emotional climate characterized by affection, empathy, emotional support, security, and constructive communication may protect adolescents against behavioral problems and psychological distress (Barnes & Farrell, 2020). In contrast, families characterized by conflict, emotional neglect, rejection, or poor communication may increase adolescents' vulnerability to aggressive and maladaptive behaviors, including cyber aggression (Fanti et al., 2021; Razavi et al., 2020).

Several studies have demonstrated the role of family emotional functioning in online risky behaviors. Ahmadi and Rahimi found that positive family emotional climate and adaptive parenting styles negatively predicted cyber aggression among adolescents (Ahmadi & Rahimi, 2024). Similarly, Abedi and colleagues reported that supportive family relationships indirectly reduced risky online behaviors through increased self-control (Abedi et al., 2018). Moreover, Marzilli and colleagues showed that problematic family functioning was significantly associated with internet addiction, anxiety, depression, and impulsivity among young people (Marzilli et al., 2020). These findings indicate that the emotional atmosphere within families can either serve as a protective factor or contribute to adolescents' engagement in harmful online interactions.

Another important factor related to cyber aggression is the feeling of defeat. Defeat refers to a subjective sense of failure, loss of social status, helplessness, and inability to achieve important goals (Allan & Gilbert, 2002). According to evolutionary and social-rank theories, feelings of defeat emerge when individuals perceive themselves as unsuccessful, trapped, or inferior in comparison with others (Anderson & Harvey, 2009). Adolescents experiencing repeated failures in academic, social, or emotional domains may develop frustration, anger, hopelessness, and psychological distress, which can contribute to aggressive responses (Taylor, 2010). The online environment may intensify these experiences because social media platforms expose adolescents to constant social comparison, peer judgment, and pressure for approval. Consequently, adolescents who perceive themselves as unsuccessful or rejected may use cyber aggression as a maladaptive coping strategy to release anger, compensate for perceived inadequacy, or regain a sense of power (Barlett & Helmstetter, 2021; Chen & Lee, 2022). Moradi and colleagues demonstrated that academic defeat significantly predicted cyber aggression through difficulties in emotion regulation (Moradi et al., 2023). Additionally, Abaei and Younesi found that feelings of defeat and frustration were associated with emotional and psychological maladjustment (Abaei & Younesi, 2016).

Other psychological variables, such as loneliness, moral disengagement, and emotional dysregulation, have also been linked to cyber aggression. DiTommaso and Spinner emphasized that emotional loneliness contributes to maladaptive social behaviors (DiTommaso & Spinner, 2016). Ortega-Barón and colleagues found that weak family contexts and moral disengagement increased cyberbullying perpetration among adolescents (Ortega-Barón et al., 2020). Likewise, Asadi and colleagues reported that moral disengagement positively predicted cyber aggression, whereas empathy negatively predicted it (Asadi et al., 2022). These findings suggest that both emotional vulnerabilities and family-related variables play substantial roles in adolescents' online aggression.

Despite increasing research on cyber aggression, limited studies have simultaneously examined the predictive role of family emotional climate and feelings of defeat among Iranian adolescents. Moreover, cultural and

regional differences may influence adolescents' online behaviors and emotional experiences. Therefore, investigating these variables among adolescents in Gachsaran may contribute to a better understanding of cyber aggression within the Iranian sociocultural context. Accordingly, the present study aimed to predict cyber aggression based on family emotional climate and feelings of defeat among adolescents aged 12–18 years in Gachsaran.

Methods and Materials

The present study employed an applied descriptive-correlational design. The statistical population included all adolescents aged 12–18 years studying in junior and senior high schools in Gachsaran during the 2025–2026 academic year. According to educational statistics, approximately 6000 students constituted the target population. Based on the Morgan and Krejcie sampling table, 361 participants were selected through multistage cluster random sampling.

Initially, eight schools, including four girls' schools and four boys' schools, were randomly selected from different districts of Gachsaran. Subsequently, two classes from each school were randomly chosen, and all students in the selected classrooms participated in the study voluntarily. Inclusion criteria consisted of being between 12 and 18 years old, being enrolled in school, and providing informed consent to participate. Incomplete questionnaires were excluded from the final analysis.

Data collection instruments included the Hillburn Family Emotional Climate Questionnaire, the Gilbert and Allan Defeat Scale, and the Cyber Aggression Questionnaire. The Family Emotional Climate Questionnaire assessed dimensions such as affection, caressing, approval, shared experiences, gift-giving, encouragement, trust, and security. The Defeat Scale measured feelings of stagnation, defeat, and satisfaction. Cyber aggression was assessed through items related to threatening, humiliating, insulting, and harming others through online platforms.

After data collection, responses were coded and analyzed using SPSS-26 software. Descriptive statistics including means, standard deviations, frequencies, and percentages were calculated. The Kolmogorov–Smirnov test was used to examine data normality. Pearson correlation coefficients were employed to investigate relationships between variables, and multiple regression analysis was conducted to determine the predictive power of family emotional climate and feelings of defeat on cyber aggression.

Findings

The demographic findings indicated that among the 361 participants, 24.6% were aged 12–14 years, 38.5% were aged 14–16 years, and 39.6% were aged 16–18 years. Regarding educational level, 22.8% were in seventh and eighth grades, 36.0% were in ninth and tenth grades, and 41.2% were in eleventh and twelfth grades. Additionally, 49.3% of participants were boys and 50.6% were girls.

Descriptive findings showed that the mean score for total feelings of defeat was 28.85 with a standard deviation of 2.56. The mean score for family emotional climate was 39.05 with a standard deviation of 9.33, while the mean cyber aggression score was 23.19 with a standard deviation of 3.64. Among family emotional climate subscales, affection obtained the highest mean score, whereas gift-giving showed the lowest mean score.

The Kolmogorov–Smirnov test demonstrated that all study variables had normal distributions, allowing the use of parametric statistical analyses. Pearson correlation analysis revealed a significant positive relationship between feelings of defeat and cyber aggression ($r = 0.192, p < 0.01$). In contrast, family emotional climate was significantly and negatively correlated with cyber aggression ($r = -0.201, p < 0.01$). These findings indicated that adolescents experiencing higher levels of defeat tended to report more cyber aggression, whereas adolescents from emotionally supportive families reported lower levels of cyber aggression.

Multiple regression analysis demonstrated that family emotional climate and feelings of defeat significantly predicted cyber aggression. The regression model was statistically significant ($F = 7.17, p < 0.001$), and the predictor variables explained approximately 12% of the variance in cyber aggression scores. Among family

emotional climate dimensions, affection, caressing, approval, shared experiences, gift-giving, and security negatively predicted cyber aggression. Furthermore, feelings of stagnation and defeat positively predicted cyber aggression, whereas satisfaction negatively predicted it.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrated that family emotional climate and feelings of defeat are significant predictors of cyber aggression among adolescents. Adolescents who experienced supportive, affectionate, and secure family environments showed lower levels of cyber aggression, while adolescents who experienced feelings of defeat, stagnation, and inadequacy demonstrated higher levels of aggressive online behaviors.

These findings suggest that positive family relationships play a protective role in adolescents' psychological adjustment and behavioral regulation. Emotional support, affection, and constructive communication within families may help adolescents develop healthier coping strategies, stronger self-esteem, and better emotional regulation abilities. Consequently, adolescents raised in emotionally supportive environments are less likely to express frustration and anger through cyber aggression.

On the other hand, feelings of defeat appear to increase adolescents' vulnerability to online aggression. Adolescents who perceive themselves as unsuccessful, trapped, or socially inferior may experience intense negative emotions such as anger, frustration, and helplessness. Because cyberspace allows indirect and sometimes anonymous expression of emotions, these adolescents may use online aggression as a maladaptive mechanism to compensate for emotional distress or regain a sense of power and control.

The findings also highlight the multidimensional nature of cyber aggression. Cyber aggression cannot be explained solely by individual personality characteristics; rather, it emerges through the interaction of emotional vulnerabilities and family dynamics. Adolescents lacking emotional support while simultaneously experiencing defeat and frustration appear particularly vulnerable to aggressive online behaviors.

Overall, the study emphasizes the importance of strengthening emotional relationships within families and addressing adolescents' emotional difficulties to reduce cyber aggression. Preventive interventions focusing on emotional regulation, coping with failure, enhancing family communication, and improving parental support may contribute significantly to reducing harmful online behaviors among adolescents and promoting their psychological well-being.

فهرست منابع

References

- Abaei, E., & Younesi, J. (2016). Examining the Correlation of Feelings of Defeat and Frustration with Physical and Motor Disability among People with Physical and Motor Disabilities in Karaj. Seventh International Conference on Psychology and Social Sciences, Tehran.
- Abedi, F., Sharifi, S., & Naderi, M. (2018). Family Emotional Climate and Online Risk Behaviors: The Mediating Role of Self-Control. *Addictive Behaviors and Media*, 6(1), 55-74.
- Ahmadi, M., & Rahimi, A. (2024). The Role of Family Emotional Climate and Parenting Styles in Predicting Cyber Aggression among Adolescents in Shiraz. *Journal of Family Psychology*, 20(2), 115-136.
- Allan, S., & Gilbert, P. (2002). Anger and Anger Expression in Relation to Perceptions of Social Rank, Entrapment and Depressive Symptoms. *Personality and individual differences*, 32, 551-565.
- Anderson, C., & Harvey, R. (2009). Discriminating between Problems in Living. *Journal of Assessment*, 66(1), 20-40.
- Asadi, S., Ghanbari, F., & Rostami, M. (2022). Moral Disengagement, Empathy, and Prediction of Cyber Aggression in Tehran Adolescents. *Behavioral Sciences Research*, 15(4), 221-242.
- Barlett, C. P., & Helmstetter, K. M. (2021). Frustration and Cyber Aggression among Adolescents. *Psychology of Popular Media*, 10(2), 147-156.

- Barnes, G. M., & Farrell, M. P. (2020). Family Influences on Adolescent Behavior: A Review of Evidence. *Family Relations*, 69(3), 392-406.
- Chen, J., & Lee, S. (2022). Social Frustration and Cyber Aggression among Adolescents. *Computers in human Behavior*, 135, 107386.
- DiTommaso, E., & Spinner, B. (2016). Social and Emotional Loneliness: A Reexamination of Weiss' Typology of Loneliness. *Personality and individual differences*, 22, 417-427.
- Eghdami, Z. (2018). Predicting Internet Addiction Based on Family Emotional Climate and Self-Efficacy Beliefs. Fifth National Conference on Modern Research in Humanities and Social Studies of Iran.
- Fanti, K. A., Demetriou, A. G., & Hawa, V. V. (2021). The Role of Family in Cyberbullying and Cybervictimization: A Study with Cypriot Adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 50(7), 1276-1288. <https://doi.org/10.1007/s10964-021-01444-3>
- Kowalski, R. M., Limber, S. P., & McCord, A. (2019). *Bullying in the Digital Age* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Kowalski, R. M., Limber, S. P., & McCord, A. (2023). Cyberbullying among Adolescents: A Meta-Analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 73, 101765.
- Marzilli, E., Cerniglia, L., Ballarotto, G., & Cimino, S. (2020). Internet Addiction among Young Adult University Students: The Complex Interplay between Family Functioning, Impulsivity, Depression, and Anxiety. *International journal of environmental research and public health*, 17(21), 8231.
- Moradi, M., Sadeghi, N., & Kazemi, H. (2023). A Structural Model of Academic Defeat and Cyber Aggression with the Mediating Role of Emotion Regulation. *Journal of Modern Psychological Researches*, 18(3), 45-66.
- Ortega-Barón, J., Buelga, S., & Cava, M. J. (2020). Family Context, Moral Disengagement, and Cyberbullying Perpetration. *Computers in human Behavior*, 113, 106475.
- Razavi, M., Bomani, S., & Heidari, K. (2020). Family Conflicts, Loneliness, and Cyber Aggression in Adolescents. *Journal of Applied Psychology*, 13(2), 163-184.
- Sameri, R. (2021). *The Causal Relationship of Parenting Styles and Family Emotional Climate with the Tendency toward Vandalistic Behaviors through the Mediation of Coping Styles and Sensation Seeking among Male High School Students in Abadan Shahid Chamran University of Ahvaz*. Ahvaz.
- Tamannaefar, M., & Khanshan, M. (2023). Predicting Adolescent Internet Addiction Based on Parenting Styles with the Mediation of Attachment Styles. *Journal of Behavioral Sciences*, 2(3), 67-84.
- Taylor, P. J. (2010). *The Role of Defeat and Entrapment in Suicide* University of Manchester].
- Waska, R. (2025). Addictions and the Quest to Control the Object. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 66, 43-62.